



حقوق اخوان-قسمت نهم: قریه های ظاهره

پیش از این عرض کردم که برادران بزرگتر قائم مقام پدر بوده و قریه های ظاهری هستند که برای وصال به قریه های مبارکه باید در ایشان سیر نمود چنانکه خداوند میفرماید **وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ**، و این قریه های ظاهره هشت قریه اند که عبارت اند از قریه شریعت ظاهره و طریقت ظاهره و حقیقت ظاهره و نجبای جزئی و نقبای جزئی و نجبای کلی و نقبای کلی و ارکان، و آن قرای مبارکه قریه مبارکه ولایت و قریه مبارکه نبوت اعنی ائمه علیهم السلام اند و مجموع این ده منزل فاصله ای است که ما بین مردم و خداوند است چنانکه در توقیع امام عصر عجل الله فرجه میخوانیم **نَحْنُ وَاللّهِ الْقُرَى الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا وَ أَنْتُمْ الْقُرَى الظَّاهِرَةُ**.

و اما برای شناخت هر کدام از قریه های ظاهره که معلمین هر مرتبه هستند، علامات ای است که در مطالب بعدی ذکر خواهم کرد اما هر کسی مکلف به شناخت تمام ایشان نیست، بلکه هر شخص بنا به مقدار عقل و رتبه ای که دارد، مکلف به شناخت معلم رتبه خود بوده و حجت خداوند همیشه بالغه است چنانکه امام صادق علیه السلام مکرر میفرمودند:

**عِلْمُ الْمَحَجَّةِ وَاضِحٌ لِمُرِيدِهِ * * وَ أَرَى الْقُلُوبَ عَنِ الْمَحَجَّةِ فِي عَمَى
وَلَقَدْ عَجِبْتُ لِهَالِكٍ وَ نَجَاتُهُ * * مَوْجُودَةٌ وَلَقَدْ عَجِبْتُ لِمَنْ نَجَا**

همچنین برای ورود به قریه های بالاتر و معرفت علمای برتر بایست آنچه را که در قرای پایینتر مکلف شده دانسته و عمل کرده باشیم، مانند دانش آموزانی که برای ورود به کلاس بالاتر باید از امتحان کلاس پایین سرافراز بیرون آمده باشند. در این باره مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

این خلق منکوس که جمعی از ایشان هنوز پا به قریه شریعت که قریه اول است نگذارده میخواستند از مکه و خانه و خانه خدا آگاهی یابند و من حیث لایشعرون تصرف در معقولات میکنند و جرح و تعدیل سایر قریه‌ها را میکنند والله ظلم بر خود و سایر اشخاص میکنند و حال آنکه انسان تا قریه ظاهره اول را طی نکند او را ممکن نشود که پا بقریه ثانیه گذارد و طی کردن قریه شریعت بعلم بآن بر نحو تحقیق و عمل بآن از روی اخلاص حاصل میشود پس چون انسان در زمره فقها درآمد و در درجه عابدین و زاهدین داخل شد او لایق آن میشود که در قریه اهل طریقت درآید و از اهل آن سامان شود و الا فلا و علامت کسی که در آن سامان داخل شده است تزکیه اخلاق و تهذیب نفس است و تخلق باخلاق روحانیین پس چون از اهل این قریه شد و احوالش مانند احوال ساکنان این قریه شد او را ممکن شود دخول در قریه سیوم که قریه حقیقت باشد و علامت دخول علم بحقایق اشیاست بر نحو اصحاب علوم ظاهره و هر کس از اهل این سامان شد محبوب خدا شود و قابل نور علم گردد چرا که العلم نور یقظفه الله فی قلب من یحب و چون این قریه‌های ثلثه را طی کرد آن وقت قابل آن میشود که فحص از احوال نجبای جزئی کند و راه قریه ایشان را پوید و ادلاء او را دلالت بسوی ایشان کنند و هیئات اینها کجایند و چه بسیار کمند از صد هزار نفس یک نفس باین مقام نمیرسند.

پیرو سخن فوق، در ادامه مطلب به اختصار تکلیف هر یک از قریه‌ها را با ذکر مئاخذی از کتب مشایخ عظام اعلی الله لهم المقام ذکر میکنم و علامات و حقوق علمای هر قریه را به مطالب آتی واگذار مینمایم.

در قریه اول که شریعت باشد، ابتدا باید احکام فقه را بیاموزیم که در این خصوص کتاب مبارک جامع از مرحوم آقای حاج محمدکریم خان کرمانی اعلی الله مقامه و وجیزه و موجز از ابناء کرام ایشان مکفی بوده و همچنین ده ها رساله دیگر، بطور مطول و مختصر از مشایخ اعلی الله مقامهم موجود و قابل استفاده است.

پس از آن برای کسی که طالب ترقی است، باید به تحصیل علم اصول بپردازد، البته اصولی که خود آل محمد علیهم السلام فرموده‌اند نه اصولی که غیر ایشان اختراع کرده باشد، که در این خصوص نیز مشایخ ما اعلی الله مقامهم کتب متعددی مرقوم فرموده‌اند که ساده ترین آن ها بزبان فارسی کتاب مبارک **اجتهاد و تقلید** نوشته مرحوم آقای حاج ابوالقاسم خان کرمانی اعلی الله مقامه میباشد، و به زبان عربی کتاب مبارک **شرح نتایج** و دو مجموعه الرسائل از مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه موجود است که بهتر از آن نوشته نشده. و همچنین برای حصول کمال در علم اصول باید به مطالعه کتب فقه استدلالی پرداخت تا با مصادیق درست استعمال اصولی که در علم اصول ذکر شده آشنا شد و در این مورد نیز رسائل متعددی از مشایخ اعلی الله مقامهم موجود است.

اما در این طریق سه نکته را باید مورد توجه قرار داد.

یک اینکه شرط حصول ترقی و بالا رفتن قابلیت این است که به آنچه می آموزیم عمل نمائیم و الا علم بی عمل را یهودی هم میتواند تحصیل نماید و شرط در عمل هم آن است که روح داشته باشد و روح همه اعمال محبت و اخلاص است که اگر نباشد آن عمل فایده اخروی نخواهد داشت چنانچه در دعا درباره امیرالمؤمنین علیه السلام میخوانیم **لَا أَتَقِي بِالْأَعْمَالِ وَ إِن زَكَّتْ وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَ إِن صَلَحَتْ إِلَّا**

بَوْلَايَتِهِ وَ الْإِيْتِمَامَ بِهِ وَ الْإِقْرَارَ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولَ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِيمَ لِرُؤَايَتِهَا یعنی اطمینان ندارم باعمال اگر چه پاکیزه باشند و آنها را نجات‌دهنده نمی‌بینم اگر چه صالحه باشند مگر بولایت او و ایتمام باو و اقرار بفضائل او و قبول از حمله آن فضائل و تسلیم برای راویان آنها و امام صادق علیه السلام میفرماید لَا يُبَالِي النَّاصِبُ صَلَّى أُمَ زَنَى، وَ هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيهِمْ: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً» یعنی اعتنائی به ناصب نمی‌شود خواه نماز کند خواه زنا بکند و خداوند در باره ایشان میفرماید عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً و عمل با اخلاص است که کافر و منافق نمیتوانند آنها را بجا بیاورند و فقط کار مؤمن مخلص است.

دو اینکه محتاج به استاد و برادر بزرگی هستیم که راهنما و معلم باشد تا نکات و دقایق علوم را برای ما آشکار سازد، و کسب علم آن طور که باید و شاید بدون استاد امکان پذیر نیست.

سه اینکه برای تحصیل علوم باید زبان عربی را بیاموزیم تا توان فهمیدن آیات و روایات و ادعیه و زیارات و کتب علمیه علماء حقه را داشته باشیم که در این خصوص بهترین آثار، تبصره و تذکره در علم صرف و نحو است که تصنیف مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه می باشد.

و اما در قریه دوم که طریقت باشد، نیز رسائل مختلفی از مشایخ اعلی الله مقامهم موجود است که مفصل ترین آن کتاب مبارک طریق النجات از مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه می باشد که در بین تمامی کتب مربوطه از صدر اسلام همانندی نداشته و مرحوم آقای حاج عبد الرضا خان ابراهیمی اعلی الله مقامه نیز خلاصه ای از آن کتاب شریف را به فارسی مرقوم فرموده اند که تحت عنوان درهای بهشت منتشر شده است.

به هر حال برخی از شروط عبور از این قریه و حصول قابلیت برای ورود به قریه سوم عبارت است از اینکه:

1- متخلق به اخلاق حسنه بوده و تزکیه نفس کرده باشیم.

2- متذکر خداوند و پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین باشیم.

3- بر قرائت قرآن و ادعیه مداومت با توجه داشته باشیم.

4- تفکر در آفاق و انفس نماییم.

5- مجاورت علما و تعلم از علوم ایشان را پیشه خود قرار دهیم.

6- به هر چه علم حاصل می نماییم عامل باشیم.

7- از صفات جمادیت، نباتیت، حیوانیت و نفس اماره خود را منزّه نموده و به عقل سلوک کنیم.

در آخر اینکه در این قریه نیز محتاج به شیخ و رفیق هستیم، یعنی داشتن برادری بزرگتر و چندی از برادران ثقه هم رتبه تا همراه ما در این طریق باشند و پیش از این گفته ایم که سالک واحد شیطان است.

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن *** ** ظلمات است بترس از خطر گمراهی

و اما در قریه سوم که حقیقت است، باید حکمت آموخته و علم به حقایق اشیاء پیدا کنیم و اصول عقاید خود را صحیح و محکم نموده و بمقتضای آنها عمل کنیم تا محبوب خدا باشیم چنانکه خود میفرماید قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی يحبکم الله.

و الحمد لله بیشتر کتب مشایخ ما اعلی الله مقامهم در این قریه است چرا که قریه شریعت توسط سایر علماء به کمال رسیده بود و ایشان بودند که قریه طریقت و حقیقت را به کمال خود رساندند.

به هر حال از جمله اعظم کتب مربوطه، کتاب شریف شرح الزیاره از مرحوم شیخ احمد بن زین الدین احساسی اعلی الله مقامه است که دون فرمایشات معصومین علیهم السلام، ما فوق آن کتابی نوشته نشده و همچنین اغلب کتب مرحوم سید کاظم رشتی اعلی الله مقامه در این قریه بوده و از مرحوم حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه کتاب فطرة السلیمة و ارشاد العوام اعظم مرقومات ایشان است و کتاب عظیم ینابیع الحکمة از فرزند مبرور ایشان مرحوم حاج محمد خان کرمانی اعلی الله مقامه به خصوصه در حکمت الهی است و خوشبختانه دروس و مواعظ بسیاری در این خصوص بالغ بر هزار جلد از مشایخ اعلی الله مقامهم موجود است که کمک بزرگی برای فهم کتب مذکور می باشد.

در آخر اینکه در این قریه نیز خلوص و تقوی از هر امری بالاتر و مؤثر تر است چنانکه خداوند میفرماید اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میفرمایند مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ یعنی هر کس چهل صباح برای خداوند خالص شود، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش ظاهر میگردد. و از معانی چهل صباح این است که انسان در همه مراتب چهل گانه اش خالص برای خداوند شود و اخلاص برای خداوند مثل همه معاملات دیگر اخلاص برای محمد و آل محمد علیهم السلام و شیعیان کاملین بوده و تمام علم معرفت ایشان است و تمام عمل محبت ایشان.

حال اگر کسی توفیق طی قریه های مذکور را چنانکه گفته شد پیدا کرده و قصد سلوک به قریه های بالاتر را داشته باشد، خداوند راهنمایان آن راه را به او نشان خواهد داد و تکالیف خود را خواهد دانست، چرا که خود فرموده وَ الَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا و راه خداوند برای ما رعایا، شیعیان آل محمد علیهم السلام هستند چنانکه فرموده اند سَبِيلُ اللَّهِ شِيعَتُنَا.